

انتباهات

۱- مختصری از زندگی نامه صاحب کتاب را بنویسید؟ مولانا اشرف علی تھانوی در پنجم ربیع الاول 1280 در خانواده ای محترم در تھانه بهمون به دنیا آمد، نسبت ایشان به امیرالمومنین حضرت عمر (رضی اللہ عنہ) می رسد. در کودکی قرآن را نزد حافظ حسین علی حفظ نمود و از سن دوازده سالگی به نماز تہجد عادت داشت و در پانزده سالگی وارد دارالعلوم دیوبند شد مناظر خیلی خوبی در دوران تحصیل بود سرانجام در سال ۱۳۰۰ هجری فارغ التحصیل شد از شیخ علامہ شاہ فضل الرحمن اجازه حدیث گرفت و به درخواست مردم به کانپور برگشت و مدرسه

جدیدی به نام جامع العلوم تاسیس نمود و چہارده سال آنجا ماند و بعد بہ دستور شیخ خود امداد اللہ مہاجر مکی بہ تھانہ بون برگشت بنابر امراض داخلی گوناگون دوشنبہ ۱۵ رجب سال ۱۳۶۲ بعد از نماز مغرب بیہوش شد و سرانجام در شب ۱۷ رجب ۱۳۶۲ وفات یافتند (در سن ۸۲ سالگی).

۲- وجہ تألیف کتاب را مختصراً بنویسید؟ مولانا تھانوی سبب تألیف کتابش را اینگونه بیان می کند کہ امروزہ مردم نسبت بہ علم کتاب دچار چنان اشتباہاتی شدہ اند و گمان می کنند شبہات بوجود آمدہ آنها را کسی پاسخگو نیست و اگر گمان می کنند کہ در علم کلام قدیم اشارہ بہ جزئیات نشدہ، این گفتہ آنها درست است شاید در آن زمان تصور نشدہ اند. و بعضی این ادعای خود را اکتشافات جدید می نامند ولی ثابت شدہ فقط گمان و وہم اند. در واقع شبہات جدید آنها خالی از احتمالات زیر نیست ۱- بعضی شبہات قدیمی هستند و از ذہن ہا فراموش شدہ اند. و امروزہ دوبارہ پخش شدہ اند. ۲- بعضی از شبہات قدیمی با نام های جدید مطرح می شوند ۳- بعضی از شبہات جدید با نامہای جدید مطرح می شوند. بہ ہر حال پاسخ بہ این ہا لازمی بود سرانجام بہ دانشگاه علیگرہ در بنگال شمال شرق ہند در سال ۱۳۲۷ رفتم و بنابر استقبال جوانان حق طلب این کتاب را نوشتم.

۳- حکمت را تعریف کردہ بنویسید کہ حکمت بر چند قسم است؟ حکمت همان فلسفہ است کہ مفہوم جامعہ ای دارد کہ شامل تمام علوم از جملہ علم شریعت می باشد. حکمت بر دو قسم است ۱- حکمت عملی ۲- حکمت نظری.

۴- در شریعت از کدام علم بحث می شود و فروعات آن کدامند؟ از علم الہی و سہ قسم دیگر علم عملی یعنی تہذیب الأخلاق، تدبیر المنزل و سیاست مدنیہ بحث می شود. فروعات علم الہی عبارتند از توحید، نبوت و معاد کہ علم عقاید نام دارند و اقسام و فروعات علم عملی عبارتند از عبادات، معاملات، معاشرت و اخلاق.

۵- اقسام حکمت العملیہ را نام ببرید؟ ۱- تہذیب الأخلاق ۲- تدبیر المنزل ۳- السیاسة المدنیة.

۶- «عدم فہم الشیء لیس بدلیل علی بطلانہ» عبارت را با ذکر مثال توضیح دہید.

نفہمیدن یک چیزی دلیل بر بطلان آن نیست، چون کہ باطل بودن یک چیز زمانی ثابت می شود کہ دلیل قطعی بر عدم آن موجود باشد. در این جا دو چیز متفاوت وجود دارد ۱- نفہمیدن وجود یک چیز ۲- عدم آگاہی نسبت بہ آن چیز. مثال: صحرائشینی کہ ہرگز قطار را ندیدہ و ہمیشہ عادت داشتہ اینگونه ببیند کہ ہر چیزی را حیوانی با خود می کشد اگر بہ او خبر دادہ شود کہ قطار بدون اینکه آن را حیوانی بکشد راہ می رود حیران می شود و می پرسد اینگونه ممکن نیست، اما دلیلی بر نفی آن ندارد.

۷- فرق میان «عدم فہم وجود الشیء» با «علم عدم ذلک الشیء قطعاً» چیست؟ با ذکر مثال توضیح دہید.

عدم فهم الشيء: یعنی شخصی وجود یک چیز را درک نمی کند و نمی فهمد پس اظهار می کند چطور چنین چیزی ممکن است مثال: یک بدوی با ندیدن قطار تعجب می کند که بدون کشیدن حیوانی چطور حرکت می کند. علم عدم ذلك الشيء: یعنی عقل دلائل محکم عقلی یا نقلی بر نفی چیزی یا عدم وجود آن را ارائه بکند مثال: سامع بر قطار سوار است و کسی بگوید که قطار از زاهدان به چابهار در یک ساعت رسید آن را تکذیب بکند چون خودش سوار است.

۸- الواجب، الممتنع، الممكن اصطلاحات سه گانه را تعریف کنید. واجب: آن است که بودن و وجود آن واجب و لازم است مانند یک نصف دو است. ممتنع: آن است که عقل بر نبود آن حکم می کند مانند یک مساوی دو است. ممکن: آن است که عقل بود و نبود آن را ممکن قرار می دهد مثلا فردی بگوید فلان سرزمین از فلان محل مساحتش بیشتر است.

۹- المستبعد! ما یجیز العقل وقوعه، الا ان الانسان حیث لم یشاهد وقوعه، و لا سمع به من أحد ممن شاهده فانه یستغرب ذالك و یتعجب منه اول ما سمع بوقوعه. عبارت بالا را ترجمه کرده فرق بین مستبعد و محال را بیان کنید. مستبعد آن است که جایز قرار دهد عقل وقوعش را اما انسان وقوعش را مشاهده نکرده و از کسی نشنیده که آنرا دیده باشد پس او بعید می داند آن را و تعجب می کند از آن وقتی که برای بار اول وقوعش را بشنود. فرق: محال بر خلاف عقل است و مستبعد بر خلاف عادت است و احکام عقل و عادت جداگانه اند چون وقوع محال هرگز امکان ندارد ولی مستبعد با عقل درک نمی شود ولی امکان دارد. (تعریف محال: آن است که عقل به باطل بودن آن حکم می کند).

۱۰- الحكم بثبوت شيء فی الواقع انما یکون بإحدى الطرق الثلاثة الآتية. طرق ثلاثة کدامند؟ هر یکی را نام ببرید. ۱- مشاهده کردن ۲- خبر دادن فرد صادق ۳- استدلال عقلی.

۱۱- از مدعی میان نظیر و دلیل مطالبه کدام یک درست است؟ مطالبه دلیل درست است.

۱۲- اذا تعارض الدلیلان العقلی و النقلی، فهناك أربعة احتمالات عقلا: احتمالات اربعة را نام ببرید؟ ۱- دلیل عقلی و نقلی هر دو قطعی باشند ۲- دلیل عقلی و نقلی هر دو ظنی باشند ۳- دلیل نقلی قطعی و دلیل عقلی ظنی باشند ۴- دلیل عقلی قطعی و دلیل نقلی ظنی باشد.

۱۳- تعریف اصطلاحی «هیولی یا ماده» را بنویسید؟ آن جوهری است در جسم که آنچه بر جسم عارض می شود از آن اتصال و انفصال می پذیرد و آن محلی است برای صورت جسمی و صورت نوعی. (لغوی: أصل، ماده).

۱۴- القديم بالذات، الأجزاء التحلیلیة، الأجزاء التركیبیة. توضیح دهید؟

القديم بالذات: ما وجوده لذاته غیر محتاج إلى غیره (به ذات خود وجود داشته بدون اینکه برای وجودش به چیزی محتاج و نیاز داشته باشد). الأجزاء التحلیلیة: هي الأجزاء التي يتكون تكثرها من الوحدة كوجود النصف والربع و الثمن من ذراع متصل. (اجزائی هستند که ازدیاد و تكثر آن از یک چیز واحدی بوجود آمده است مانند نصف، یک چهارم و یک هشتم که فقط از یک ذراع متصل از یک چیزی بوجود آمده اند). الأجزاء التركیبیة: آن اجزائی هستند که وحدت و انسجام آن ها از چیزهای متفاوت و زیاد بوجود آمده است مانند دیوار که از آجر، سیمان و سنگ و غیره تشکیل یافته است.

۱۵- قد نشأت بالنسبة الكتاب الله تعالى غلطتان عظیمتان: أحدهما: حصر أحكام الدين فی القرآن، و غایته إنکار بقية الأصول الشرعية الثانية: محاولة تطبيق آیات القرآن الكريم على اكتشافات العلم الحديث. الف: عبارت

فوق را ترجمه کنید ب: دیدگاه حضرت مولانا اشرفعلی تهانوی را در مورد تطبیق آیات قرآن با اکتشافات جدید، بنویسید.

الف: در مورد کتاب الله دو اشتباه بزرگ بوجود آمده است اولی: حصر نمودن احکام دین در قرآن که باعث انکار بقیه اصول دین می شود. دومی: بعضی به اشتباه اکتشافات جدید را با کتاب الله تطبیق می دهند. ب: این گروه خیال می کنند که اکتشافات جدید را با قرآن تطبیق دادن نوعی کرامت و عزت به قرآن است. باید دانست که قرآن کتاب علمی، تجربی، تاریخ یا جغرافیایی نیست بلکه کتابی برای اصلاح روح می باشد بطوری که نبودن بحث های بافندگی و کفاشی در کتب پزشکی نقصی برای آن محسوب نمی شود و اگر هم قرآن مقدمه ای برای این اکتشافات جدید می بود چنان که ادعا می کنند باید دانست مخاطبان اول قرآن عرب های قدیمی بودند که اصلا علمی به این اکتشافات نداشتند و صلا آن را نمی فهمیدند و این خود نقص بزرگی برای قرآن محسوب می شد.